

دموکراسی مافیائی با قرئت بنیادگرایی مذهبی!



پیوسته بگذشته بخش یکصدوینجاه و سوم:

آنچه را که باید از دوستان گرامی جداً عذرخواهی کنم اینست که طبق عادت من بدون توجه به آنچه که قبلاً آغازیده ام هرگاه جنابیت تازه ای بویژه آن بخشی از عملکردهای زشت و ناپسندیده تمامی کسانی که در یک حوزه تمدنی و فرهنگی با ما زندگی میکنند به چشم بخورند ناچار می شوم به آن می پردازم و آنچه را که مقدمه ای از آن را قبلاً آغازیده ام به آننده نامعلومی واگذار میسازم. روی همین رویه و سنت این بار نیز می خواهم مطلبی را که از دیر بدینسو مرا به شدتی که در بیان نه میگنجد بخود مشغول داشته است و یک لحظه هم از آن غافل نیستم با شما عزیزان در میان گذارم و آنچه را که قبلاً آغازیده ام به آننده موکول سازم هرچند در تمامی نوشته های که از این قلم به نشر میرسد اشارتاً راه حل های نیز ارائه نموده ام.



هیچکسی نه میداند که چرا کشورجنگزده افغانستان باگذشت بیش از یکنیم دهه عمری پربرکتی که ازاستقرارنظام مقدس " جمهوری اسلامی افغانستان "!! میگذرد هنوز هم هرچه زور میزنیم به جایی نه میرسیم. و کار به جایی رسیده که اگر همه حامیان و شمشیرزنان افراطی و دواتشه نظام ووضع موجود متحد شوند نه میتوانند درحوزه امنیت وعدالت از آن به دفاع پردازند. ونه تنها نه میتوانند از آن به دفاع برخیزند

https://www.youtube.com/watch?v=py_OAOuy58s

بلکه بصورت روزافزون و غیر قابل تصور اهرم های اصلی قدرت مصنوعی اعم از نهاد های وابسته با محمد اشرف خان غنی احمدزی رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان که بیشتر محافظه کارو قشرهای سنتی جامعه را تشکیل میدهند

<https://www.youtube.com/watch?v=MYXAlp6lqYo>

همچنان **نازآبادی های** که در محوطه ارگ ودر **سالون آرائیش** موسوم به سپیداردر صف نشسته اند نه میتوانند وضعیت تاروتاریک کنونی را توجیه شرعی نمایند. ! آنچه درزمینه تشریح و تفسیر این وضعیت جامعه بسیار اساسی است این است که از همان آغاز یورش سربازان انتلاف ضد تروریزم بر افغانستان عموم باشنده گان جغرافیای بنام افغانستان بویژه روشنفکران ملت ما را با تابلت های مرگ آور مفتخواری معتاد ساختند ودر این میان مفتخواری و بیکاری و ذلت را آرام، آرام به فرهنگ حاکم مردم ما تبدیل میگردید. دریک جمع بندی باید گفت که داروغه های ارگ بجای ایفای نقش حاکمه

قدرت به ایوزسیون " سیا " سی تنزل نمودند و شب و روز بصورت مجهول و مجعول با زبان شرب فحش که زبان کوچه و بازار است همدیگر را نشانه گرفتند . و مصداق عینی ضرب المثل مشهوری میشوند که " **دزد هم میگوید که دزد است و صاحب خانه هم** "



مذهب با قرئت مافیای در توجیه دموکراسی مافیائی !

اسلام آنچنانکه در قانون اساسی افغانستان به کاررفته است و در فصل سوم آن وثیقه یعنی « **در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.** » درج می باشد یک مفهوم پارادوکسیال و مجهول است نخست اینکه این قانون نه تنها با اهرم های سنتی اقتدار در جامعه افغانی در تناقض قرار دارد بلکه قبل از آنکه در لویه جرگه قانون اساسی افغانستان یا همان مجمع سنتی بزرگان به بحث گذشته شود در یک سیمیناری بنام Democracy and Islam in the New Constitution of Afghanistan از سوی مؤسسه رند RAND وابسته به وزارت دفاع ایالات متحده امریکا بصورت یک مسوده ترتیب یافت . جالب آنجا و آنگاه بود که این قانون که بر مبنای تلفیق اسلام با دموکراسی بویژه مفهومی بنام حقوق بشر برای کشور افغانستان از سوی دوسه تن از شرق تبارهای امریکائی مانند **خالد ابوالفضل** شهروند کویتی امریکائی Khaled Abou el Fadl که بیش از چند سال بدینسودر ایالات متحده امریکا اقامت دارد . سید امیر ارجمند Saïd Amir Arjomand ، ناتان برون Nathan Brown با همراهی چند تن دیگر بریاست خانم چارلی بنارد Cheryl Benard همسر زلمی خلیل زاد سفیر کبیر افغان تبار و مقتدر امریکا در افغانستان تدوین گردید .



از قول یکی از اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی افغانستان که به این قلم در کابل دیدار داشت و حکایت از چگونگی تسوید آن بیان میداشت می گفت که ما در تسوید قانون اساسی افغانستان چندان

مشکلی نداشتیم زیرا با تدارک غذاهای لذیذ که جلسات تسوید مسوده قانون اساسی افغانستان بیشتر در هونل پنج ستاره انتر کانتی ننتال کابل برگزار می گردید بر سر میز هر یکی از اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی یادداشت های از قوانین اساسی کشورهای صنعتی و کشورهای روبه انکشاف اسلامی گذشته می شد و ما نیز بدون آنکه بدانیم م فرادات این یادداشتها چه مقداری با اعتقادات و باورهای مان مطابقت دارد در نشه ای از غذا های لذیذ و تحفه های گوناگون به تصویب می رساندیم

